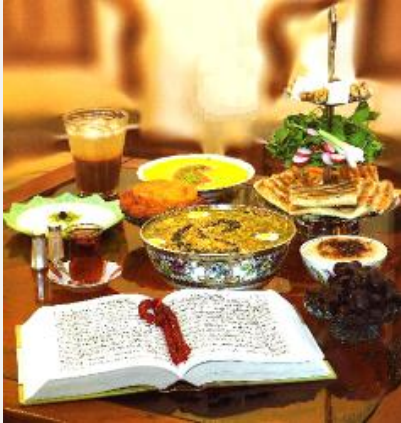


خودسازی!

قبل از ماه رمضان ، دخترک ترازویی را که سر کوچه دید وسوسه شده بود خود را وزن کند . وزن کرد ، 53 کیلوگرم بود

....



قبل از ماه رمضان ، دخترک ترازویی را که سر کوچه دید وسوسه شده بود خود را وزن کند . وزن کرد ، 53 کیلوگرم بود بعد از نماز عید فطر که به همراه مادر به خانه می آمدند باز دخترک ترازویی را دید که سر کوچه جلوی مغازه بقالی نشسته بود . رفت و دوباره خودش را وزن کرد وای 60 کیلوگرم ، خدای من 7 کیلو اضافه وزن در یک ماه ؟ باید در رکوردهای جهانی گینس نامش را ثبت می کردند . خیر سرش تمام سی روز را روزه گرفته بود . تازه سه روز هم پیشواز رفته بود . آخه یکی نبود به این انسان بگوید مگر نه اینکه باید در ماه رمضان انسان کم تر بخورد و بیاشامد تا به یاد مستضعفان و فقیران بیفتد و از حال و روز آن ها آگاه شود و دچار تحول و خودسازی و ... شود ولی افسوس با روزه داری احساس گرسنگی و تشنگی که نکرد در ضمن مدام سنگین هم بود . چون سحر و افطار آن قدر می خورد که تا ساعت ها نمی توانست تکان بخورد . سحرها چلو خورش و میوه و نوشابه و ... را تا مؤذن شروع به اذان نکرده می خورد . و بعد از نماز می خوابید .

و حدود ساعت یک بعدازظهر برای نماز بیدار می شد و بعد از خواندن نماز و قرآن و مقداری تلویزیون دیدن و دراز کشیدن دوباره می خوابید تا افطار . تازه خدا را شکر که مدرسه ها تعطیل بود وگرنه چطور می توانست به مدرسه برود و درس بخواند . خلاصه این دختر قصه ما موقع افطار هنوز اولین کلام مؤذن از دهانش بیرون نیامده شروع به حمله می کرد . ابتدا بشقاب خرما و زولبیا و کم کم شروع به شخم زدن سفره هفت رنگی می کرد که هیچ شباهتی به سفره فقرا و نیازمندان نداشت و خدا می داند که چه بلایی بعد از آن سر معده اش می آمد و این انسان روزه دار نه تنها حال محرومان و گرسنگان را درک نمی کرد ، بلکه تازه به درد اغنیا که پرخوری و زیاده روی و اسراف است مبتلا شده بود .

بعد از افطار و نماز و دیدن سریال ها و کمی کمک به مادر دوباره گرسنه اش می شد . و مادرش حدود ساعت 12 شب دوباره غذاهای مقوی و خوشمزه و چرب را گرم می کرد و او می خورد . خلاصه این دختر روزه دار و معصوم خیلی گرسنه اش می شد . خب باید جون داشته باشه تا بتونه روزه بگیره .

مادرش هم اصلا نمی گفت : چرا این قدر می خوری و با قربان صدقه می گفت بخور عزیزم ! روزه می گیری ضعیف شدی . نوش جان

خلاصه این دختر مهربان در ماه رمضان حسابی از خجالت شکمش درآمده بود . یکی نبود به این دختره بگوید . انسان روزه می گیرد تا یک ماه معده اش استراحت کند نه اینکه منفجر بشود . خلاصه امسال که گذشت . اما دختر روزه دار تازه فهمیده بود که علت به وجود آمدن ماه رمضان و خاصیت آن این است که انسان با کم خوردن و کم آشامیدن به یاد فقیران جامعه بیفتد و خودسازی معنوی را در پی داشته باشد . البته او تصمیم گرفته انشاءالله سال دیگر کمی روی خودش و این فریضه الهی کار کند .

کیهان _ فاطمه کشرانی